

## ۸۴ - موت

و نیز از حضرت نقطه است. **قوله الاعلی:** "و آنچه سئوال نموده از موت نفس مؤمن بدانکه هر شیئی از آن راجع میشود بمبدء آن و آنچه که ما یقوم بکلّ اوست عندالله در جنّت جود و فضل او متلذذ است میبینی که جسد او راجع میشود بطین و جسد ذاتی او راجع میشود بابواب و نفس ذاتی او راجع بمظهر تسبیح که مراد شمس حقیقت باشد."

و از حضرت بهاءالله در لوحی است. **قوله الاعلی:** "الحمد لله الذی جعل الموت بابا للقاءه و سببا لوصاله و علة لحيات و به اظهر اسرار کتابه و ما کان مخزونا فی علمه."

و از حضرت عبدالهه است. **قوله العزیز:** "و اما قضیه حادثه موت بدانکه روح انسانی مقدّس و مجرد است و منزّه از دخول و خروج زیرا دخول و خروج و حلول و صعود و نزول و امتزاج از خصائص اجسام است نه ارواح لهذا روح انسانی دخول در قالب جسمانی ننماید بلکه تعلّق باین جسم دارد و موت عبارت از انقطاع آن تعلّق است. مثلش آینه و آفتاب است آفتاب در آینه دخول و خروجی ندارد و حلولی ننماید ولی تعلّق باین آینه دارد و در او جلوه نماید چون تعلّق منقطع گردد آینه از روشنی و لطافت و جلوه باز ماند لهذا تعبیر خروج روح از جسد تعبیر مجازی است نه حقیقی و این تعلّق شاید بتدریج منقطع گردد و شاید فوری باشد."